

## سرنوشت زار پروژه زراعت و آبیاری نیمروز

(بخش سوم)

### امکانات پیشرفت و انکشاف اقتصادی نیمروز

پیشرفت و انکشاف اقتصادی نیمروز در ساحات مختلف اقتصادی در صورتی ممکن است که هر کدام این بخش ها در ارتباط و هماهنگی با یکدیگر مورد مذاقه و ملاحظه قرار گیرند. در این فصل بخشی از این امکانات به صورت مختصر قرار زیر یادآوری می گردد :

#### ۱ - احیای مجدد نهر لشکری برای آبیاری و تهیه آب نوشیدنی :

احیای مجدد نهر لشکری همزمان دو هدف را تعقیب میکند :

- ۱ - کوشش به عمل می آید که ۲۰۰۰۰ هکتار اراضی جدید تحت آب آورده شود.
- ۲ - تقلا می شود که جلو فرسایشهای خاک را گرفته و نگذارد که زمینهای قابل استفاده زیر ریگ شوند. این اقدامات از طریق انکشاف زراعت و آبیاری صورت می گیرد.

در محاسبات پروژه تحت استفاده در آوردن اراضی جدید در نیمروز جهت آبیاری در مقایسه با نرخ بین المللی قیمت تر تمام می شود. دلیل آن این است که درین محاسبات مصارف تنها شامل تحت استفاده قرار دادن زمینها نیست، بلکه مصارف جلوگیری از فرسایشهای خاک و جلوگیری از توسعه صحرا هم می باشد. به همین دلایل مصارف تحت استفاده در آوردن زمینهای نیمروز گرانتر تمام می شود که این مسأله قابل فهم است.

هدف نهائی از تطبیق پروژه این است که ساختارهای اجتماعی در نیمروز تقویه گردد و اقتصاد جامعه رشد نماید تا زمینه معیشت و زندگانی برای مردم میسر گردد. اگر این امکانات معیشت برای مردم آماده نگردد، آنها از ولایت نیمروز مهاجرت می کنند و یا امکانات تأمین زندگی خود را در کارهای غیر قانونی و غیر مشروع جست و جو کرده به مسایل قاچاق مواد مخدر و غیره مصروف خواهند شد، تا مصارف زندگی خود را به دست آرند. به این ترتیب ولایت نیمروز محل تلاقی جنایت کاران و قاچاقبران و تشکلات ایشان خواهد گردید. در نتیجه تأمین اوامر دولت مرکزی افغانستان در ساحة نیمروز اگر ناممکن نگردد، لاقول مصارف گران به کار خواهد داشت. این چنین یک منطقه که در آن قانونیت حکمفرما نباشد، برای جامعه بین المللی قابل قبول نبوده و انبوهی از مشکلات ایجاد میکند. چون ساختارهای جنائی قاچاقبران تنها به ولایت نیمروز محدود نمانده به کشورهای همسایه، به خصوص ایران سرایت می کند. بنا بر آن برای دولت ایران هم درد سر ایجاد می شود. نظر به دلایل بالا تطبیق بخشهای ذکر شده پروژه، منازعات اجتماعی و منطقه یی را به حد اقل پائین می آورد.

**یادداشت نگارنده :** این امکان میسر است که انتقال آب از هلمند تا زرنج در لوله های بزرگ صورت گیرد تا از یک طرف از ضایعات آب (چه از طریق نفوذ در طبقات پایین زمین و چه از طریق وزش باد و تشعشع آفتاب) جلوگیری شود، علاوه بر این ضرورت لای رومی نهر که کار پر مصرف و دوامدار است رفع می گردد. از جانب دیگر انتقال آب از طریق نهر لشکری زمینه پرورش نباتات را در مسیر خود آماده ساخته به اثر نفوذ آب از بستر کانال آبهای زیر زمینی تقویت شده و از شور شدن شان جلوگیری شده می تواند. همچنان در ایام زمستان که زراعت صورت نمیگیرد، ممکن است بخش بزرگ آب نهر هدفمندانه برای تقویت آبهای زیر زمینی در طبقات زمین هدایت شود. این دو انتخاب یعنی انتقال آب توسط نهر یا توسط لوله از نظر اقتصادی، کاربرد، دوام، توسعه و غیره تا حال تحقیق نشده و هر کدام دارای نکات مثبت و منفی می باشند. بنا برآن باید قبل از تطبیق پروژه این مطالعات صورت گرفته، هر دو انتخاب به صورت مقایسوی و با در نظر داشت منافع دوامدار ملی ارزیابی گردند. در نتیجه هر انتخابی که بیشتر به خیر مردم ما باشد، روی دست گرفته شود.

## ۱,۱ - ساختار بخش اول پروژه :

بخش اول پروژه قسمت کلیدی انکشاف اقتصادی ولایت نیمروز را احتوا می کند که در جدول ذیل تفصیل داده شده است. در مطالعات علمی و تخنیکی که به صورت مختصر صورت گرفته، مقدور نبود که همه خدمات مورد ضرورت پروژه و سامان آلات تخنیکی به طور مفصل و دقیق سنجش شود. از اینرو از یک عده سامان آلات ساختمانی بدون ارائه قیمت نام برده شده و مراحل کار بخش اول پروژه در جدول ۱ درج گردیده است.

شماره	مرحله
۱	طرح پلان/ آمادگی
۲	تفتیش و کنترل کار بازسازی
۳	تنظیم کردن واحد های کار
۴	راه دو طرفه کانال
۵	انتقال ریگ و صیانت کانال
۶	دستگاه تنظیم کننده آب
۷	تضمینات
۸	تقسیم آب
۹	پمپ استیشن
۱۰	تأمین انرژی
۱۱	حفر چاه ها
۱۲	حفظ و مراقبت

### جدول ۱ : مراحل کار بخش اول پروژه.

طرح پلان و آمادگی پروژه، تمام کار های فنی، اداری و پلان ریزی را در بر می گیرد، که بدین ترتیب نیاز به دو دفتر، یکی در کابل و دیگری در نیمروز (دفتر هم آهنگی) می باشد.

تمویل کنندگان پروژه بایست برای مسایل کنترل و مراقبت ساختمانی پروژه یک متخصص را به عنوان مشاور مسوول تعیین نمایند. کارهای ساختمانی باید از طریق مؤسسات محلی و یا منطقه ای اجرا گردد. از همان آغاز کار های ساختمانی باید کوشش به عمل آید که مقدار ریزش ریگ در کانال به حد اقل تقلیل یابد. در مرحله چهارم ساختمانی پروژه نیاز به هموار نمودن بخش غربی کانال نیست، چون در آنجا خاک های بیرون کشیده شده فعلاً سدی در مقابل هجوم ریگ می باشد، که این نقش بایست با نشانندن بته ها و نباتات مؤثرتر گردد.

در جریان کار احیای مجدد کانال و تا زمانی که از ریزش ریگ در کانال با غرس اشجار جلوگیری به عمل می آید و با استفاده از زمینهای زراعتی که فرسایشهای بادی را سد می شود، مصرف زیادی برای حفظ کانال رونما می گردد. این دوره مدت شش سال را در بر خواهد گرفت. در عرض این مدت تپه های ریگی به داخل کانال سرازیر خواهند شد و از جوانب مختلف باد ریگ را به داخل کانال خواهد آورد. بنابراین برای بیرون کشیدن این ریگها از داخل کانال که به صورت متوالی به کانال می ریزند، ضرورت به ماشینهاست. ازین لحاظ ما پیشنهاد می نمایم که ماشین آلات ساختمانی مثل بگر، رادلادر، موترهای ثقیل بار بری تریلر دار و غیره به اختیار اداره ولایت گذاشته شود.

به خاطر ضرورت عاجل آب نوشیدنی برای اهالی در متن برنامه احیای مجدد نهر لشکری حفر ۵۰ حلقه چاه به عمق وسطی ۲۰ متر از سطح زمین در نظر گرفته شده است. حفر چاه های عمیق به خاطر حل مشکلات لوژستیک در برنامه احیای مجدد کانال مدغم گردیده. کار تحقیقاتی که درین مورد باید صورت بگیرد، قبلاً پلان ریزی شده است.

حفر این چاه ها به طریقه "حفر خشک" به قطر ۶۰۰ ملی متر صورت می گیرد. نل ها به قطر ۳۰۰ ملی متر در چاه ها تمديد می گردند. همچنان فلتر ریگی بکار گرفته شده و با پمپ های دستی و یا برقی تجهیز می گردند. علاوه بر این سطح بیرونی چاه ها کانکریت گردیده و استحکام داده می شوند. از جمله ۲۵ حلقه چاه باید در نزدیکی های کانال حفر گردد. زیرا درین مناطق آب شیرین از کانال به زمین نفوذ کرده و از نمکی شدن آبهای زیر زمینی جلوگیری می کند. حفر این چاه ها از جمله ضروریات اساسی می باشد. زیرا در مواقع کم آبی باید از این چاه ها استفاده به عمل آید تا که اشجار و نباتات مورد ضرورت رشد کرده بتوانند. در عین زمان برای اهالی آب نوشیدنی از این چاه ها تهیه می گردد.

باقی چاه ها باید در مناطق مسکونی مردم که مقدار نمک آبهای زیر زمینی شان کم باشد، حفر گردد. برنامه حفر چاه ها به عنوان یک بخش جداگانه پروژه باید در نظر گرفته شود. معهذا باید توجه گردد که حفر این چاه ها در رابطه و هم آهنگی کارهای احیای مجدد نهر لشکری، صورت گیرد.

در رابطه با احیای نهر لشکری برای صد نفر از اهالی منطقه در چوکات پروژه کار خلق می گردد. گذشته از این برای دوصد نفر دیگر در رابطه با کار پروژه مشغولیت به وجود می آید، که این بخش در امور خدماتی است. به علاوه جا های مزید کار، برای رفع ضروریات ماموران و مستخدمان پروژه به وجود خواهد آمد.

### ۲,۱ - امکانات مقدماتی برای مقابله در برابر فرسایش خاک :

مراحل کار مقدماتی مقابله در برابر فرسایش خاک در جدول ۲ درج گردیده.

شماره	مرحله
۱	طرح پلان/ آمادگی
۲	تفتیش و کنترل کار باز سازی
۳	تنظیم کردن بناها برای واحدهای ساختمانی
۴	تنظیم کار دفع ورود ریگ
۵	مواظبت ساختار های ضد ریگ

#### جدول ۲ : مراحل کار مقابله در برابر فرسایش خاک

در بخش غربی ساحات کانال به استقامت ۳ خط باید حصار های پلاستیکی برای جلوگیری از حرکت ریگ (به طول تقریباً ۱۵۰ کیلومتر) نصب شود، که این دیوارها متواتر (در هفته ۲ تا ۳ مرتبه) نظر به موقعیت آنها عمودی و افقی تغییر مکان داده شوند.

این حصارها برای توقف حرکت ریگ از پلاستیک ساخته شده و دارای ۴۰ فیصد منفذ می باشند که در مقابل عوارض جوی مقاومت دارند. ارتفاع این حصارها ۶۰ سانتی متر و بر پایه های لوله مانند فولادی به قطر ۱۰ ملی متر نصب می شوند. آنها انرژی باد را در سطح زمین در هم شکسته و باعث توقف ریگهای متحرک می شوند. از این نوع حصارها برای دفع ریگ از چندین دهه بدین طرف به خاطر حفظ سواحل بحر در المان استفاده میشود (طور مثال در جزیره زویلت). بعد از مرحله رشد اشجار برای محافظت کانال، می توان حصارها را به تدریج دور کرد و از آنها برای محافظت بخش ها و ساحات دیگر زراعتی مرحله به مرحله استفاده نمود. محل و زمان استفاده و دوران تغییر موقعیت دیوارهای پروژه مورد آزمایش قرار گرفته و نظر به ضرورت عیار می گردند. قیمت تهیه حصارها به ۲ یورو فی متر مربع تخمین زده شده و برای حصارهای یدکی مورد ضرورت ۳۰ فیصد قیمت محاسبه شده است.

### ۳,۱ - پروژه جنگلداری، باغداری/ تربیه و پرورش اشجار و بته ها :

مراحل کار مقدماتی جنگلداری و باغداری در جدول ۳ درج گردیده.

شماره	مرحله
۱	طرح پلان/ آمادگی
۲	تفتیش و کنترل
۳	تأسیس نهادهای جنگلداری و باغداری
۴	تولید اشجار برای محافظت کانال
۵	تولید نباتات زراعتی

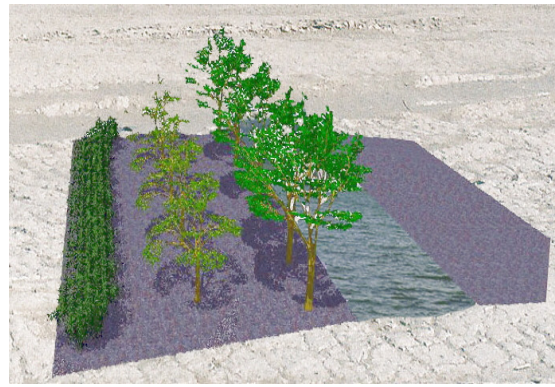
#### جدول ۳ : مراحل کار جنگلداری و باغداری

در دشتهای نیمروز در جاهایی که نبات روئیده ریگ از حرکت باز می ماند و در جاهایی که نباتات وجود ندارد، خاکهای باریکدانه را از قبل باد برده است (تصویر ۲). به تاسی از این آموزه طبیعی برای محافظت کانال در مقابل حرکت ریگ، نیاز به تقریباً ۵۰۰۰۰۰ اصله درخت می باشد که به طرف ساحل غربی کانال به امتداد سه خط، اشجار کوتاه قامت در آغاز، نیمه قامت در وسط و در انتها درختان بلند قامت بر خلاف جهت باد غرس می گردند.

این طرح را آقای دیپلوم انجنیر عارف ناطقی به مودل در آورده که بدینوسیله از ایشان تشکر میکنم (مودل ۱ و تصویر ۲).



تصویر ۳ : نباتات از انتقال ریگ جلوگیری می کنند. دشت خاش، تابستان ۲۰۰۲ م



مودل ۱ : صیانت نهر لشکری در برابر ریگ به وسیله بته ها و درختان. مودل از : عارف ناطقی

برای پرورش این تعداد درخت نیاز میرم به تأسیس ۵ فارم بزرگ جنگلداری است. موقعیت این فارم ها بایست در نزدیکی کانال باشد و یکی پی دیگر همزمان با کار اعمار کانال که خود آب برای آبیاری آنها می دهد، تأسیس گردند. موقعیت این فارمها طوری انتخاب گردد که امکان رسیدگی و مراقبت اشجار اطراف کانال تا فاصله ۱۰ کیلو متری بدون زحمت اضافی ممکن باشد. بهترین شکل فارم جنگلداری همانا سیستم جنگلداری کوپراتیفی با ضمانت شخصی اعضای آن می باشد، طوری که یک مقدار از مصارف اولیه برای تهیه لوازم را می توان به عنوان قرضه بدون سود تأمین نموده به اشخاص انفرادی داد. ارزش هر درخت همراه با مراقبت ۴ ساله می تواند ۴ یورو باشد. یکتعداد معهود باغداران می توانند که اندازه کم مصارف خویش را از تولید و پرورش درختان غیر مثمر ولی قسمت اعظم باغداران مصارف خود را از درختان مثمر به دست آرند. مراحل انتقال از وابستگی به پروژه تا انفصال از آن ، باید آهسته و به تدریج صورت گیرد.

#### ۴,۱ - نهالشناسی در امتداد کانال برای جلوگیری از حرکت ریگ :

مراحل کار مقدماتی نهالشناسی در جدول ۴ درج گردیده.

شماره	مرحله
۱	طرح پلان/ آمادگی
۲	تفتیش و کنترل
۳	آمادگی برای نهالشناسی
۴	تهیه اشجار
۵	مراقبت اشجار

#### جدول ۴ : مراحل کار نهالشناسی

در پهلو اشجار بومی منطقه باید اشجار مناطق با شرایط مشابه اقلیمی نیز مورد آزمایش قرار گیرند. به طور مثال خربوزه صحرایی که در دشتهای نامیبیا با شرایط و مشکلات مشابه اقلیمی با موفقیت کاشته می شوند و یا زنبق صحرایی هسپانیایی که برای تولیدات عطریات به کار میرود. به خصوص برای اینکه دفتر هماهنگی امکانات درآمد طویل المدت از فروش حاصلات آنها داشته باشد، باید اشجار و بته های بارور را زرع کرد.

#### ۵,۱ - تأسیس شرکت های جدید :

تمام کارهای پروژه نیاز به امور خدماتی در منطقه داشته که با کارهای اصلی خود پروژه کمتر رابطه دارد. به طور معمول چنین کارهای خدماتی از طرف کارمندی اجراء می گردد که در بخشهای بیرونی پروژه مشغول کار اند. ولی برای تداوم کار خدماتی نبایست نیروی کار را بلکه کار خدماتی را به صورت مستقیم خرید. چون تا هنوز تشکیلات و ساختارهای خدماتی در منطقه وجود ندارد، فلذا نیاز به کمک و پشتیبانی مقدماتی اولی می رود. به خصوص سازمان زنان درین مورد پلان های مشخص برای ساختار شرکت های کوچک خدماتی دارد، که ضرورت تام به کار ایشان خواهد بود. کمک و هدایت برای تأسیس و ایجاد چنین شرکت ها، سرمایه گذاری نا مطمئن می باشد ولی با تأمین کنترل (سیستم منظم محاسباتی و تفتیش در جریان کار) تضمین می شوند.

در صورتی که کار شرکتها، که بهترین نوع آنها شرکتهای کوپراتیفی می باشد، موفقیت آمیز باشد، کاهش مصارف کارهای خدماتی را به دنبال خواهد داشت. سرمایه گذاری ابتدایی در شروع کار برای ایجاد شرکتها در حدود ۱۰۰۰۰ یورو تخمین زده می شود. این مبلغ مصارف مواد ضروری تولیداتی را کفایت می کند، ولی برای مصارف پرسونل کافی نیست. با قراردادهای خدماتی وابسته به بخشهای پروژ چانس برای ایجاد شرکتهای نو تأسیس وجود دارد، تا بتوانند خارج از چوکات پروژه نیز اساس اقتصادی را در منطقه پی ریزی نمایند.

## ۲ - اعمار بند کمال خان بالای دریای هلمند :

کار این بند آبگردان در ولسوالی چهار برجک که در ۸۵ کیلومتری جنوب غرب شهر زرنج قرار دارد آغاز یافته بود (قبل از جنگ نیمه تمام ماند و بعد تخریب شد). در سال ۱۹۷۶ یک بررسی عمومی برای اعمار این بند و مخرج ها و ساختمان های دیگر آن از طرف شرکت امریکایی به نام ایکو و شرکت هندی به نام واپیکا و شرکت مشاور سوییسی به نام الکترووات صورت گرفت. این تحقیق که مدت شش ماه طول کشید، حاوی یک طرح پلان پروژه و اطلاعات و اسناد اعلان داوطلبی برای برآورد کنندگان بود. در مرحله دوم طرح ساختمان و اعلان خرید ماشین آلات و دستگاه های تکنیکی که همچنان مراقبت و تدابیر امنیتی را در بر داشت، تمام گردید. کار ساختمان پروژه در سال ۱۹۷۶ شروع و قرار بود که در سال ۱۹۸۳ به پایان برسد. نظر به قراردادی که بین وزارت آب و برق و شرکت واپیکا صورت گرفت، کار مراحل اول و دوم پروژه در ساحه عمل پیاده شده و به اتمام رسید.

قرار بود که کار مرحله سوم پروژه در سال ۱۹۸۰ میلادی آغاز شود. ولی بعد از تغییرات اوضاع سیاسی افغانستان در سال ۱۹۷۸ تأمینات مالی پروژه از طرف امریکا کاهش یافت و در اواخر سال ۱۹۷۹ به کلی قطع گردید. به دلیل یک سلسله مشکلات ناشی از جنگ، شرکت سوییسی الکترووات نیز در سال ۱۹۷۹ افغانستان را ترک نمود که بدین ترتیب بقیه کار های پروژه ناتمام ماند. کارهای ساختمانی تا موقع آغاز تجاوز روسها حدود ۳۰ درصد پیش رفته بود، که متأسفانه در طول سالیان جنگ مورد تخریب و چور و چپاول قرار گرفت.

**اهداف پروژه :** یکی از اهداف پروژه این بود، که با اعمار دو دیوار به طول ۱۷۰۰ متر و ارتفاع ۱۲ متر باید تامین آبیاری و تولید برق صورت گیرد. دیگر اینکه جلو آبخیزی گرفته شود. زیرا با آبخیزی ها، ساحات زراعتی زیر آب شده و خساره مند می شوند و از طرف دیگر این آب خیزی ها باعث تخریب و لغزش سواحل دریای هلمند نیز میگردد. تخریب روستاها و شهر های زرنج، کنگ و غیره به صورت کلی مدش و خانه برانداز است. زیرا خانه های مسکونی درین مناطق از گل ساخته شده و توان مقاومت در برابر آب را ندارند. در سالهای سیلابی بیش از صد هزار هکتار زمین در جوار منطقه خوابگاه و پایانتر از آن صدمه می بیند (یک، ص ۱۹۳). به همین دلیل اهداف اساسی این پروژه در قدم اول جلوگیری از آبخیزی، تنظیم آب و استفاده اعظمی از منابع نادر آب بود. همچنان در مواقع آب خیزی بایست آب اضافی توسط دو کانال طبیعی جناحی (رود بیابان و رود خشک) به جهیل گودزره هدایت می یافت. به کمک کانالهای چپ و راست بند کمال خان امکان انکشاف و اصلاح ۷۵ هزار هکتار زمین در مرحله اول میسر است (یک، ص ۱۹۳) و از جانب دیگر امکانات آبیاری مناطق پایین دریای هلمند نیز موجود است. به مقصد جلوگیری از سیلاب و رهنمایی آن به گود زره قرار بود در پلان هفت ساله زمان داوود خان یک بند خاکی در حصه قلعه افضل خان اعمار و ساحه اطراف این ناحیه از طریق بند تحفظی بین بند کمال خان و قلعه افضل خان حفاظه گردد. احداث پر چابۀ آب و آخذۀ کانال های راست و چپ توأم با ساختمان دروازه های کنترل آب و سرکهای حفظ و مراقبت و احداث زاهبر ها در پلان هفت ساله پیش بینی شده بود (یک، ص ۱۹۳). هدف دیگر پروژه، آبیاری و استفاده از ۱۱۹۰۰۰ هکتار زمینهای موجوده و ۵۰۰۰۰ هکتار زمینهای بایر در ولایت نیمروز بود. در انکشاف بعدی قرار بود که ۲۱۰۰۰۰ هکتار زمین در چوکات این پروژه تحت آبیاری قرار گیرد.

**تولید برق :** به علاوه قرار بود که یک کارخانه تولید برق به ظرفیت ۹ میگاوات فی ساعت در منطقه قلعه افضل خان اعمار گردد. که بدین ترتیب اساسات زیر بنای صنعتی و تکنیکی در منطقه به خصوص در شهر زرنج گذاشته می شد (از چند سال بدینسو شهر زرنج از برقی که از ایران خریداری می شود استفاده می کند). اضافه بر این باید یک بند آبگردان با تمام واحد های تنظیم آب و جوی های خروج آن با ظرفیت ۱۹۱۵ متر مکعب فی ثانیه اعمار گردد و همچنان قرار بود که یک کانال برای جلوگیری از آب خیزی کشیده شود که آبراه به جهیل گود زره هدایت نماید.

**فواید بند کمال خان :** بند کمال خان دارای دو کانال بوده که به طرف شرق و غرب امتداد می یابند. کانال غربی زمینهای گود زره را آبیاری می کند. کانالهای شرقی (زرکن و زورکن) زمینهای مناطق قلعه فتح، شهر غلغله، امیران، مناطق غربی چخانسور و شرق ولسوالی کنگ را آب می دهد. این کانال از طرف شرق به شمال الی لاش جوین در ولایت فراه امتداد دارد، که می تواند زمینهای زراعتی را تا ولسوالی لاش جوین آبیاری نماید. کانال هایی که به گود زره می پیوندند، می توانند برای ثبات، استحکام و صیانت محیط زیست و تربیه و پرورش ماهی مورد استفاده قرارگیرند.

از مدتها به این طرف (۲۰۰۲) به جهیل گود زره آب نرسیده، ولی از آب آن استفاده بسیار شده که این عمل باعث شوری آن گردیده است. در صورتی که آب تازه به گودزره بریزد، آب آن شیرین می شود (نگارنده : در سالهای اخیر



که بارندگی صورت گرفته گودزره دوباره از آب پر شده). از طرف دیگر امکانات ساختن کانال دیگر از بند کمال خان به طرف کشور همجوار ایران برای آبیاری و آبرسانی مناطق زایل موجود است. علاوه بر آن برای استفاده مستقیم از آب دریای هلمند می توان نهر لشکری را تا بند کمال خان امتداد بخشید، که این امر امکانات آبیاری زمینهای اضافی دیگری را مساعد می سازد و همچنان با این امکانات می توان مناطق نواحی لاش جوین را نیز از نعمت آب برخوردار نمود.

قرار پلان های انکشافی قبلی باید، کانال دیگری به امتداد کانال لشکری نیز اعمار گردد، که این کانال پسانتر به سه کانال کوچکتر انشعاب نموده و مناطق کنگ، ابراهیم آباد و سیخسر را آبیاری نماید. همچنان انتظار می رفت که کانال کنگ برای آبیاری مناطق کورکی به آنطرف امتداد و به کانال صمدی وصل گردد. اعمار یک بند دیگری در منطقه قریه حاجی محمد افضل خان برای تدارک آب مناطق تره خون (در جنوب و جنوب غرب) یک امر حتمی و لازمست، چه برای آبیاری در آنجا ضرورت به چندین کانال می باشد.

**تدابیر ساختمانی بند کمال خان :** مطالعات علمی و تخنیکی با نقشه های پروژه وجود دارد و نیاز به بررسی جدید نمی باشد، ولی ضرورت تجدید آنها موجود است. تهداب های بند و منازل مسکونی برای عمله و فعله آن تا هنوز موجود است. با اعمار بند کمال خان حتی می توان مشکلات آب شهر زایل را نیز، که به آن طرف مرز در جانب ایران قرار دارد، رفع نمود. مصارف ساختمان آن به ۴۰ میلیون دالر سهمیه از خارج و ۳۰ میلیارد افغانی ( آنموقع حدود ۱۵ میلیون دالر) از بودجه دولت افغانستان پیشنهاد شده بود.

### ۳ - بند آبگردان خوابگاه :

در پلان هفت ساله (یک، ص ۱۹۳) اعمار بند آبگردان بالای دریای هلمند در ناحیه خوابگاه پیش بینی گردیده بود که زمین آبیاری ۴۸ هزار هکتار زمین واقع این قسمت را فراهم می ساخت. ساحه مذکور شامل ۱۳ هزار هکتار زمین سابق و ۳۵ هزار هکتار زمین جدید می باشد. مشخصات بند آبگردان و کانال اساسی که به طول ۱۱۵ کیلو متر به مقصد آبیاری نواحی زیارت شاهی و شهرآباد احداث می گردید در پروژه مفصل تخنیکی در نظر گرفته شده بود. قرار بود که این پروژه در بین سالهای ۱۳۵۵ - ۱۳۵۹ هجری شمسی تطبیق گردد که نگردد.

### ۴ - بند آبگردان سیخسر :

در پلان هفت ساله (یک، ص ۱۹۳) در نظر بود که این بند آبگردان در جوار شهر زرنج در نزدیکی سربند های عنعنه یی رفیق خان و مارونکی ها بالای دریای هلمند در موضع نادعلی اعمار گردد. هدف این پروژه تنظیم آب در ساحه ۲۵۶۰۰ هکتار زمین موجود واقع در شمال شیله چرخ و قلعه کنگ می باشد که قرار بود بین سالهای ۱۳۵۵ - ۱۳۵۹ هجری شمسی به پایه تکمیل برسد. این پروژه شامل اعمار بند آبگردان و ساختمانهای اخذ آب در کانال اساسی و انکشاف و اصلاح کانال سابق سیخسر و احداث زاهیر ها و ساختمانهای هایدروتخنیک می شد.

### ۵ - استحصال نمک های معدنی و کود کیمیای :

مراحل کار مقدماتی استحصال املاح معدنی و کود کیمیای در جدول ۵ درج گردیده.

شماره	مرحله
۱	طرح پلان/امادگی
۲	تفتیش و کنترول
۳	اعمار حوض تبخیر
۴	دستگاه تصفیه آب شور
۵	عیار کردن دستگاه

### جدول ۵ : مراحل کار استحصال املاح معدنی و کود کیمیای

آب های زیر زمینی نمکی دارای عناصر مختلف کیمیای اند که می توان با مصرف کم انرژی از این نمک ها استفاده کرد. در حوزه های فرو افتاده نیمروز که آبهای زیر زمینی به روی زمین جریان می کنند، تحت عوارض جوی تبخیر نموده غلظت آنها بالا می رود. این آبهای نمکی غلیظ می توانند نظر به شدت تبخیر و درجه غلظت به حوض های متناوب هدایت گردند. به این ترتیب املاح مختلف در حوض های مذکور تبلور یافته، قابل استحصال میگردند. هدایت این آبهای نمکی غلیظ به حوض های مختلف با مصارف خیلی کم تخنیکی صورت می گیرد. در نتیجه استحصال نمک به طریقه خیلی ساده و بدون وابستگی تخنیکی و ضرورت به وسایل یدکی می تواند عملی گردد. ازین حوض ها سرانجام با کمک ماشینها، املاح استحصال و بار گیری شده و جداگانه ذخیره و گدام می شوند.

اکنون برای تمام انواع املاح بازار فروش وجود ندارد. ولی با اعمار سرکها و رشد ضرورت مواد خام در افغانستان و کشور های همسایه، این بازار فروش به زودی گشوده می شود. املاح کالیوم (پتاسیم) می تواند در یک کار گاه آماده سازی پاکسازی شده و در پروسه غنی سازی به کود کیمیای تبدیل شود.

با احیای نهر لشکری و زراعت منطقه، ضرورت مبرم برای کود کیمیای احساس می گردد. زیرا زمینهای زراعتی که در سالیان متوالی کشت نشده اند به املاح معدنی من جمله کود کیمیای کالیوم (پتاسیم) نیازمند اند. قیمت فروش کود کیمیای در بازار های منطقه یی مربوط به قیمت ترانسپورت آن می گردد. زیرا استحصال این نوع کود کیمیای در مناطق مشابه نیز ممکن است. در نوار سرحدی آنطرف مرز در ایران همین اکنون پروژه کود کیمیای کالیوم (پتاسیم) در فعالیت است. به همین دلیل تخمین مصرف این پروژه را به حد وسطی در نظر گرفته ایم تا پروژه در بازار بین المللی رقابت کرده بتواند. اعمار این پروژه و تخمین مصارف دقیق آن مستلزم تحلیل و بازار فروش کود کیمیای و اوضاع و احوال مربوط به آنست که تا هنوز از طرف کسی صورت نگرفته است.

## ۶ - بند آبگردان مناطق خاشرود و چخانسرور :

در مناطق خاشرود بارندگی خیلی کم بوده، ولی در صورتیکه باران ببارد، آب زیاد به وجود می آید که همه بدون استفاده به هدر می رود. اما این آب به نیروی اعظمی تمام قریه جات سواحل دریا را تخریب می نماید. بدین ترتیب باید کوشش به عمل آید که جای مناسبی برای اعمار یک بند پیدا و انتخاب گردد، زیرا نیاز به اعمار کانالهای اضافی نمی رود، چون سرکوب دریا آنقدر زیاد است که تمام زمینهای نواحی اطراف آنرا به سهولت آبیاری می تواند. درینجا تنها مساله تقسیم آب و سازماندهی آن به دلیل فعال بودن کانالهای قدیمی مطرح می شود. نظر به ارتفاع سرکوب این دریا امکانات تولید برق نیز موجود است.

## ۷ - پل ابریشم و سرک زرنج دلارام :

خط مواصلاتی حوزه جنوب غرب افغانستان با ایران از مدت های طولانی مورد بحث قرار داشت که افغانستان را به خلیج فارس وصل کند. بعد از سقوط طالبان دولت ایران طرح اعمار پل ابریشم را به دولت افغانستان ارائه کرد. برای تعیین محل اعمار پل، وزیر خارجه آن وقت دولت افغانستان در تابستان ۲۰۰۲ یک هیئت سه نفری را از وزارت فواید عامه، وزارت خارجه و ریاست کار تو گرافی تعیین کرده و به زرنج فرستاده بود که ورود آنها به زرنج مصادف بود با دو سه روز بعد از مواصلت ما در این شهر. از گفتنی های زیاد در این رابطه فقط به یکی دو مورد اکتفا می گردد که خالی از دلچسپی نیست. قابل یادآوریست که این هیئت همه انسانهای بسیار وطن دوست، پاک و دلسوز بودند ولی از اجرای مکلفیتی که به دوش شان گذاشته شده بود به دور قرار داشتند. آنها نه به نقشه می فهمیدند و نه در ساحه موقعیت خود را تعیین می توانستند. خطر آنکه خود را در آن بیابانهای بزرگ و سوزان گم کنند و از گرمی تلف شوند خیلی زیاد بود. هیئت مذکور که نه نقشه ساحه و نه کروکی محل و نه هم اسباب لازم را در اختیار داشتند، در سه روز اول در مهمانخانه ولایت استراحت بودند. این مسأله برای ما سوال بر انگیز بود که چرا هیئت به کار خود آغاز نمی کند. سر انجام یکی از آنها به نگارنده نزدیک شده با احتیاط فراوان گفت که آنها هیچ کاری را کرده نمی توانند و طالب کمک گردید. ما خوشبختانه چون نقشه های دقیق در مقیاس های مختلف داشتیم و فاصله سنج و سیستم جی پی اس و سایر آلات کار را در اختیار گرفته بودیم به خواست او پاسخ مثبت دادیم و یکی دو نفر از گروپ پروژه را در اختیار هیئت گذاشتیم (تصاویر ۴ و ۵).



تصویر ۵ : هیئت اعزامی وزارت خارجه با یک عضو تیم پروژه (از طرف راست نفر دوم) و یک عسکر پوسته سرحدی در بستر دریای هلمند. تابستان ۲۰۰۲ م.



تصویر ۴ : هیئت اعزامی وزارت خارجه با نگارنده (در وسط) و یک عسکر پوسته سرحدی در کنار دریای هلمند. تابستان ۲۰۰۲ م.

گذشته از کار در ساحه، آنها را در تهیه راپور به وزارت خارجه نیز کمک نمودیم. تاکید ما در آن بود که پل در جای مناسبی که نشانی کرده بودیم یعنی در جایی که هلمند در خاک افغانستان جریان دارد، تعمیر گردد. به هر حال از سرنوشت آن راپور اطلاعی در دست نیست، آنچه آشکار گردید اینست که ایرانیها پل را در همان محل که خودشان می خواستند آباد کردند. کار پل ابریشم بالای دریای هلمند دو سال قبل به انجام رسیده و به تعقیب آن کار سروی و اعمار سرک دلارام زرنج روی دست گرفته شد. قرار معلوم که پول این پروژه را هند می پردازد. از اینکه با اعمار این سرک وابستگی افغانستان به پاکستان در خصوص ترانزیت مال التجاره افغانی بسیار کاهش می یابد، پاکستان کوشش می کند مانع اعمار این سرک گردد. از همین جهت است که تا حال پاکستان توسط طالبان چند انجنیر و کارمند ساختمانی یک مؤسسه هندی را در نیمروز کشته است. اگر سرک دلارام زرنج آباد گردد راه تجارتي افغانستان از طریق نیمروز در مقایسه با راه هرات و مشهد تا خلیج فارس، حدود ۱۰۰۰ کیلو متر کوتاه می گردد. (نقشه ۱) بنا بر آن اعمار این سرک تقویت اقتصاد ملی افغانستان را موجب شده و امکانات انکشاف اقتصادی نیمروز را مساعد می گرداند، حتا این ترقی اقتصادی نیمروز شاید هرات را از رونق تجارتي بیندازد (نقشه ۱).



## ۸ - تذکر تیم پروژه :

این تحقیقات علمی و تخنیکی را متخصصان فنی افغانی و المانی (تصاویر ۶ تا ۱۰) که فهم و دانش فنی در مورد کار این پروژه دارند با همکاری هم تهیه و ترتیب نموده اند. آنها آماده هر نوع همکاری با سایر کارمندان برای برآورده شدن اهداف این پروژه می باشند. تحقیقات و محاسبات تخمینی تشریح شده در بالا را نمی توان به عنوان یک ماستر پلان برای انکشاف ولایت نیمروز ارزیابی کرد. معهدا بخشهای مختلف پروژه های جداگانه که در بالا ذکری از آنها رفت، سنگ تهادب انکشاف متداوم این ولایت را می گذارند.





تصاویر ۶ - ۱۰ : دوستان المانی در سفر افغانستان که تحت شرایط دشوار و بدون اجرت زحمت کشیدند. زرنج، تابستان ۲۰۰۲ م.

## ۹ - پایان سخن :

قرار احصایه پلان هفت ساله (یک، ص ۱۸۷) در وادی هلمند و نیمروز حدود ۵۱۸ هزار هکتار (معادل دو میلیون و پنجمصد و نود هزار جریب) زمین زراعتی مساعد به صورت بالقوه موجود است. تا قبل از تجاوز روسها بخش های کوچک این زمین ها مورد استفاده قرار می گرفتند، در حالی که امکانات وسیع استفاده از این خاکها موجود بود و اکنون هم می باشد. البته پیشرفت های علمی و تکنیک مدرن کار استفاده از این زمین ها را مساعد تر گردانیده است. معضله اساسی در این رابطه کمبود آب نبوده بلکه مسأله تنظیم آنست به خصوص که سالانه از مجموع ساحه افغانستان، بیشتر از ۶۰ میلیارد متر مکعب آب بیهوده خارج می شود. با تامین و تنظیم آب امکانات احیای مجدد سیستان وجود دارد. قرار برآورد یک محقق المانی [۳] احیای مجدد سیستان سالانه به ۳ تا ۳،۵ میلیارد متر مکعب آب نیاز دارد. برای حل این مشکل لازم است ضرورت آب در قسمت وسطی دریای هلمند به خصوص ضرورت و توسعه پروژه وادی هلمند و ارغنداب و مقدار آبی که در قرارداد آب هلمند با ایران تضمین گردیده، در نظر گرفته شوند.

در این رابطه دو مسأله دیگر در خور اهمیت اند : یکی این که مقدار آب باید پیوسته، به خصوص در زمانهایی که زراعت کمتر صورت می گیرد، به آبهای هامون هلمند برسد تا آن محیط زیبای زیست که زمینه حیات نباتات و حیوانات نادر بی شماری را آماده کرده، از بین نرود. از جانب دیگر باید توجه شود که کاسه هامون از آب خالی نگردد تا مواد رسوبی و ریگی را که دریا در بستر هامون جمع می نماید و منبع عمده ریگ را تشکیل می دهد از زیر آب نبرآمده و توسط باد به نواحی دیگر منتقل نگردد (دو، ص ۲۱۶). دوم اینکه در آن طرف مرز نیز فقیرترین مردم ایران سکنا دارند که نباید با کمبود آب مواجه گردند. با این هم این مشکل به سادگی حل میگردد اگر آب خاشرود که دارای کمیت و کیفیت خوب است ذخیره شود [۳] و از آب هلمند استفاده اعظمی به عمل نیاید بلکه تکیه به جلو به مصرف رسانیده شود. تا از یک طرف خلق های دو طرف مرز در فوز و فلاح زندگی کنند و از جانب دیگر به منازعات آب هلمند پایان داده شود. بدین ترتیب احیای مجدد سیستان در هم آهنگی استفاده از آب هلمند و خاشرود به صورت قدم به قدم ممکن است که پیوسته توسعه داده شود. این محقق المانی [۳] را عقیده بر این است که با احیای مجدد سیستان که مصارف گزاف را بچاب نمی کند می توان بر ضد گرسنگی در این کشور فقیر موفقانه مبارزه کرد و حتا با اصلاح ساختار اجتماعی این منطقه، مردم می توانند به آرامی و سعادت و پیشرفت اقتصادی بیشتر نایل آیند. او می افزاید که در اوضاع و احوال کنونی (۱۹۷۵) اعمار و انکشاف پروژه های زراعت و آبیاری خط فاصل میان اغنیا و فقرا را جلی تر خواهد کرد، زیرا خانها و زورمندان این مناطق که همه کاره و یکه تاز

اقتصادی و مذهبی اند، همه چیز را در اختیار دارند و مردم عوام همه رنجهای زندگی را به تنهایی می کشند. این طرز دید محقق المانی را یک محقق افغان (دو، ص ۲۱۵) چنین تایید می کند که: « اکثریت بزرگران این منطقه که در نتیجه عدم برابری اجتماعی و اقتصادی و بهره کشی بی حد زیاد رنج کشیده و از کار زراعت بیزار گردیده اند، به صورت موسمی در مناطق دیگر کار می کنند. پاک کردن کانال های آبیاری بر دوش بزرگران گذاشته شده است. یگانه راه علاج این مشکل تطبیق پروگرام اصلاحات بنیادی اراضی و پیدا نمودن زمینه کار به ساکنان این حوزه میباشد.»

با در نظر داشت مطالب بالا و با ایجاد سد های اشجار و غرس درختان به منظور محافظت مزارع زراعتی از ضرر باد و با اجرای اصلاحات در امور زراعت و آبیاری و جامعه امکان آن موجود است که سیستان افغانی بار دیگر به یکی از غنی ترین مناطق از نظر تولیدات زراعتی تبدیل گردد. در این رابطه طرح و تطبیق هر پروژه انکشافی باید هم آهنگ با طرح عمومی انکشاف اقتصادی نیمروز به خصوص پروژه هائی که در فوق از آنها نام برده شد در نظر گرفته شود. طرح و تطبیق یکی دو پروژه به تنهایی مشکل مردم را حل نمی نماید.

در پایان باید متذکر شوم که پیش شرط تحقق این آرزوی دیرین موجودیت یک دولت ملی است که به مشکلات مردم توجه کند. دولت دست نشانده موجود در فکر مردم نبوده و به پروسه دشت شدن مناطق زراعتی نیمروز توجه نداشته و نظاره گر طوفان های مدهش باد و هجوم ریگ و فقر و مسکنت مردم است. امید بر آنست که آرزوی درخشان آزادی که اکنون در افق کشور جلوه می کند به زودی به ثمر برسد تا داعیه آبادانی کشور در سایه یک دولت ملی آغاز گردد و باشندگان کشور بیشتر از این عذاب گرسنگی و زجر تشنگی را نکشند.

## ۱۰ - ماخذ ها :

دری

(یک) : وزارت پلان جمهوری افغانستان : پلان هفت ساله انکشاف اقتصادی و اجتماعی افغانستان، ۱۳۵۵ - ۱۳۶۱، جلد اول، ۱۳۵۵، کابل.

(دو) : غلام رحمان امیری : تصویری از زندگی مردم بلوچ در نیمروز و هلمند سفلی قبل از انقلاب ثور، ۱۳۶۵ هجری، کابل.

(سه) : جیو کارت : اتلس جمهوری دیموکراتیک افغانستان. اداره سروی و کارتوگرافی پولند با همکاری ریاست کارتوگرافی افغانستان، ۱۹۸۴، وارسا.

## المانی و انگلیسی

- [۱] United Nations Environmental Programme (۲۰۰۲): Afghanistan Post-Conflict Environmental Assessment. Switzerland.
- [۲] Bromand, M., Hügel, W.A., Roostai, A. H., Seiffe, E. (۲۰۰۲): Feasibility Study "Rehabilitation of Agricultural Structures in Nimruz – Irrigation and Potable Water Supply for the Destroyed Villages in the South-Western Province of Afghanistan". Kabul.
- [۳] Radermacher, H. (۱۹۷۵). Historische Bewässerungssysteme in Afghanistan-Siistan; Gründe für ihren Verfall und Möglichkeiten ihrer Reaktivierung. Zeitschrift für Kulturtechnik und Flurbereinigung ۱۶, Paul Parey, Berlin, ۶۵-۷۷.

در پایان این مبحث به منظور حسن ختام سر گذشتی را بیان می کنم که علاقه مندی نگارنده را به آبادانی نیمروز به مثابه قطعه ای از پیکر افغانستان بیشتر می گرداند. امیدوارم با پیشرفت اقتصادی سراسر کشور اوضاع اجتماعی نیمروزیان هم بهبود یابد و این گوشه کشور از قید و شر طوفانهای مدهش نجات پیدا کند. و اینک آن سر گذشتی که در ذهن و ضمیر نگارنده حک شده است :

## سرگذشت در دشت :

گرمای شدید تابستان ۲۰۰۲ م در ریگستان های نیمروز بیداد می کرد و از هر جنبنده ای یارای حرکت را می گرفت. تو گویی از زمین و از آسمان آتش می بارید و بال و پر هر پرنده ای را که به سایه ای نمی رسید، می سوخت. ساعت یازده و نیم بجه روز بود و گرما سنج ۵۷ درجه سانتی گراد را نشان می داد و باد آتشیایی به آهستگی می وزید

چنانکه وسایل الکترونیکی را از کار انداخته و تاب و طاقت را از ما ربوده بود. در خلال این احوال غریبی از جمعی از کارگران که در ساحه مصروف کار بودند برخاست که یکی از مهمانان المانی در اثر گرمی از خود رفته و حالش زار گریه است. در حالیکه از این بابت نگرانی بر نگارنده مستولی شده بود دوان خود را بدانجا رسانیده دیدم که همکار المانی ام از حال رفته و دلهره ای در جان کارگران انداخته است. و این در حالی بود که کمپ بود و باش ما ۵۰ کیلو متر از این محل فاصله داشت که طی این مسافه در آن دشت های ریگی با آنهمه بلندی و پستی و چتری و چتری دو نیم ساعت وقت را در بر می گرفت. از کارگران پرسیدم که آیا در این نزدیکی ها کدام قریه و دهکده ای وجود دارد. همه جواب دادند که نه! تنها یک نفر از اهالی منطقه گفت که درین نزدیکی ها دو خانواده زندگی دارند که بهتر است آنجا برویم. بنا بر آن همه راهی آن جایگاه گردیدیم که نیم ساعت به موتر از محل حادثه دور بود. چون بدانجا رسیدیم یکی دو کلبه محقر گلی که بیشتر از نیم آنها در زیر زمین قرار گرفته بودند، وجود داشت. حویلی این کلبه که احاطه ای نداشت در واقع شامل همه دشت های جنوب غرب کشور می شد. در فاصله چند قدمی کلبه چند رأس بز و بزغاله و یکی دو رأس گاو و خر از شدت گرمی العطش می زدند و چندین رأس مرغ در تلاش دانه گاه در لانه و زمانی در کلبه و کاشانه سر تا و سر بالا در جست و جوی دانه بودند. زن سرسپیدی با کالای ژنده و سر و موی ژولیده از کاه و بته به دیگدانی آتش افروخته و در آفتاب مطراق در حالیکه دو طفل کوچکی با سر و پای برهنه و لباس های چرکین به آن زن سرسپید چسبیده بودند، مصروف پختن غذا بود. همینکه ما در چند قدمی کلبه رسیدیم مرد کهن سالی که به قول خودش سن او بالاتر از ۹۰ سال بود با لباس های سفید ولی چرکین و محاسن پهن ولی سیمین از زیر زمینی برون آمده در حالیکه خود را به عصای کج و معوجش تکیه می داد؛ از ما جویای حادثه گردید. همینکه موضوع برایش روشن شد، ما را به کلبه رهنمایی کرده و گفت که هر چه زودتر داخل زیر زمینی شویم که آنجا سرد تر است. به راستی هم در زیرزمینی درجه گرمی فقط ۴۵ درجه سانتی گرید بود، در حالیکه بیرون از کلبه به ۵۸ تا ۶۰ درجه میرسید. در زیر زمینی دو خالیگاه به جای کلکینچه وجود داشت که موجب جریان هوا و باد خفیفی می گردید و این باد خفیف سختی گرمی شدید را بر ما تا حدودی قابل تحمل می ساخت. همکار از خود رفته المانی را در زیر همین روزنه جا به جا کرده و به سر و رویش آب می زدیم که حالش بهتر شود. در این گیر و دار آن مرد کهنسال بزغاله ای را حلال کرده و به آن زن سر سفید هدایت داده بود تا هر چه زود تر شوربایی بپزد. آنگاه پیر مرد وارد زیر زمینی شده از نگارنده جویای آمدن ما به آن منطقه دور افتاده شد. وقتی او واقف گردید که ما به خاطر احیای مجدد نهر لشکری و حل مشکل آب اهالی آنجا از المان آمده ایم از خوشحالی زیاد آب از چشمانش جاری شده گفت که: «بچیم! شما را امان الله خان روان کرده که با ما کمک کنید؟» من که متوجه شدم که پیر مرد از حوادث و اتفاقات بیشتر از نیم قرن دور مانده، نخواستم نا امیدش بسازم، گفتم بلی پدر جان. در این وهله یادم از فرموده شاعری آمد که:

#### ظالم بمرد و قاعده زشت از او بماند عادل برفت و نام نکو اختیار کرد

آنگاه پیر مرد سر صحبت را باز کرده و از دیدگیها و شنیدگیهای دوره امانی صحبت فراوان کرده، اشک می ریخت و در حسرت می سوخت. این اشک با اشکهای اولی تفاوت بسیار داشت. قطره های اولی از خوشحالی آن بود که در نهری که آب رفته بار دیگر آب جاری می گردد و انسان و حیوان و نبات از برکت آن فیض می بینند من جمله پیر مرد و خانواده اش. ولی قطرات اشک جویه دوم از درد جانگدازی بر می خاست که سینه پیر مرد را در هجران شاه امان الله خان و دوران پر فیض او چون خنجر تیزی زخم کاری زده بود. پیر مرد که از سوز دل اشک نقره فام میریخت، آن مروارید های گهر بار را در گوشه ای از شف دستارش جا به جا می ساخت و آه پر سوزی در حسرت گذشته از سینه شکسته به بیرون می کشید. پیر مرد در مقام تأمل و تانی گرم صحبت بود که در همین احوال سفره دراز در صحن زیر زمینی پهن شد و نان های گرم به روی سفره تقسیم گردید. هنوز ما از جا نجسته بودیم که رمه مرغان آن کلبه که از گرسنگی چون انسانها عذاب می کشیدند بر سفره حمله بردند. پیر مرد ما را متوجه ساخت که مواظب باشیم. آنگاه به یکی از نواسه هایش وظیفه داد تا مرغان را از کلبه بیرون کند، کاری که به مشکل انجام میشد، زیرا مرغان از هر زمان و مکان ممکن استفاده کرده دستبردی به دسترخوان می زدند. متعاقب آن شوربای لذیذی آورده شد که لذت آن عذاب گرمای تابستان را تسکین می بخشید. بعد از صرف نان همه برای ساعتی به خواب رفتند. تا این دم دوست المانی اندکی به حال آمده بود. چون خاطر ما جمع گردید همه راهی محل شدیم تا به کار خود ادامه دهیم. اما دوست المانی را تا عصر همان روز در کلبه پیر مرد گذاشتیم تا پیر مرد از او مواظبت نماید. در ساعات پایان روز همکار المانی به کلی سر حال شده بود. وقتی او را از نزد پیر مرد می گرفتم، به رسم متداول اروپا، یک مشت پول را در ازای خدمات آن پیر مرد به او پیشکش نمودم. ولی این به مثابه تیر زهر آلودی بود که ناآگاهانه و غیر ارادی از این کمینه به قلب آن پیر مرد می نشست. چون متوجه این خطا شدم بلا درنگ از او معذرت خواستم. پیر مرد به بزرگواری که در شأنش بود مرا در دم ببخشید و گفت: «همینکه شما از آن جا های دور جهت کار به وطن می آید، مردانگی بزرگی می کنید و بالای ما حق خدمت دارید.» در پایان وقتی از او سؤال کردم که من برای او چه کرده می توانم، پیر مرد در جواب گفت: «برای امان الله خان سلامهایم را برسان و از من به او بگو که به وطن بیاید که همه در انتظار اویند.» نگارنده که در بین واقعتی کشنده و حسرتی فریبنده افتیده بودم بار دیگر با تایید خواهش او در دل

پیر مرد تخمی از امید کاشتم، تخمی که مانند پروژۀ آبیاری نیمروز هیچگاهی به ثمر نمیرسید. درین میانه یادم از گفته عارفی آمد که نوشته بود که تاریخ جعل نمی شود. این سخن واقعیت دارد چنانکه پیر مرد به یاد دورۀ ده سالۀ امانی اشک فراوان ریخت و از زمانه های طولانی بعد از وی حرفی به میان نیاورد. به گفته شاعر:

زنده جاوید گشت هر که نکو نام زیست      کز عقبش ذکر خیر زنده کند نام را

این سرگذشت که در دشت رفت بار دگر نمودی از فرهنگ گهربار جامعۀ افغانی را به مثابۀ «مشت نمونۀ خروار» تداعی می کند. بر ماست که در صیانت از این ارزش های فرهنگی پیوسته بکوشیم و از گزند روزگار در امانش نگهداریم.

با محبت بسیار

پایان بخش سوم و پایان این رساله